



<http://www.arianafghanistan.com>



۲۰۱۷/۰۳/۱۳

جلیل غنی هروی

ارزیابی ستراتیژی امریکا برای افغانستان

با تشکیل حکومت جدید ایالات متحده آمریکا به ریاست دونالد ترامپ ابهاماتی در سیاست خارجی این حکومت وجود دارد. دونالد ترامپ اولین بیانیه اش را به کانگرس ایالات متحده و از آن طریق خطاب به مردم این کشور پس از احراز کرسی ریاست جمهوری، شام سه شنبه بیست و هشتم فیروزی ایراد نمود.

درین بیانیه خلاف آنچه انتظار می رفت آقای ترامپ به روابط ایالات متحده با جهان و مخصوصاً افغانستان که در حدود ده هزار سرباز امریکائی علیه دهشت افکنان می رزمند، عراق و سوریه دو معضله دیگر میراث حکومت های گذشته ایالات متحده که تعداد محدود سربازان امریکائی در آنجا مستقر هستند، و روسیه که سر و صداهای در مورد مناسبات نزدیک ترامپ با ولادیمیر پوتین رئیس جمهور روسیه و همچنان ادعا های دخالت روسیه در سیستم انتخابات ریاست جمهوری وجود دارد، هیچگونه اشاره ای نه نمود که باعث عکس العمل های مخالفین آقای ترامپ از حزب دموکرات و همچنان سایر صاحب نظران گردیده است.

قصر سفید مصروف بررسی تقاضای جان نکلسن قوماندان قوای بین المللی در افغانستان برای اعزام عساکر بیشتر در تابستان امسال به افغانستان و پیشنهادات وزیر دفاع جدید ایالات متحده در رابطه با افغانستان است و احتمال آن می رود که تا دو ماه دیگر و یا کمتر از آن قصر سفید تصمیمش را درین رابطه اعلام نماید.

روز پنجشنبه نهم مارچ بلند پایه ترین مقام نظامی امریکا در شرق میانه به کانگرس ایالات متحده گفت که برای کمک به آموزش و مشاوره به نیروهای افغانستان، احتمالاً نیروهای امریکایی بیشتری در افغانستان لازم است. جنرال ووتل قوماندان قوای مرکز ایالات متحده آمریکا روز پنجشنبه در جلسه کمیته نیروهای مسلح در مجلس سنا به جواب این سوال که برای دولت ترامپ درباره گام های بعدی امریکا در طولانی ترین جنگ تاریخ این کشور چه توصیه های دارد، گفت: "معتقدم که قوای بیشتری لازم است تا ماموریت مشاوره و کمک به قوای افغانستان، موثرتر شود".

جیمز ووتل معتقد است که ستراتیژی موجوده قوای ایالات متحده در افغانستان مستلزم باز نگری است. به موجب این ستراتیژی سربازان امریکایی نقش مشوره دهی دارند و کوماندو های امریکائی فقط زمانی می توانند وارد درگیری شوند که به آنها تیراندازی شود.

در عین حال وی با صراحت اظهار داشت که « ما در حال توسعه یک ستراتیژی و گفت و گو با وزیر دفاع و پنتاگون هستیم. جنرال نیکلسن قوماندان قوای بین المللی در افغانستان و من هر دو در حال تهیه بهترین مشوره

و پیشنهادهای ما به وزیر دفاع هستیم و انتظار پیشرفت را در این راستا می کشیم. من باور دارم که ستراتیژی تازه ما در افغانستان در برگیرنده نیروهای اضافی خواهد بود زیرا با این کار می توانیم مأموریت مشوره و آموزش را موثر تر به پیش ببریم.»

در عین حال بعضی از اعضای برجسته سنای امریکا تاکید می ورزند که چگونگی نابود سازی دهشت افگنان در پاکستان و جلوگیری از مداخله های ایران و روسیه در افغانستان باید در ستراتیژی تازه واشنگتن در نظر گرفته شوند. جنگ افغانستان یکی از طولانی ترین جنگ های امریکا در خارج این کشور گفته شده و اکنون بیش از شانزده سال از آغاز حملات ایالات متحده علیه حکومت طالبان و پایگاه های القاعده در افغانستان در سال ۲۰۰۱ می گذرد و همچنان جنگ های عراق و سوریه میراث حکومت جارج بوش به اوپاما و از حکومت اوپاما به حکومت جدید ایالات متحده است. ایالات متحده با درگیری درین جنگ ها سرمایه گذاری های عمده و کلانی چه از نگاه تلفات انسانی و از دست دادن جوانان و سر بازنش و چه از نگاه مصارف گزاف مالی نموده و شکست قطعی ایالات متحده در هر یک از این جنگ ها به بهای اعتبار بین المللی آن تمام خواهد شد.

درین بررسی ها مشاورینی کار میکنند که اکثریت آنها در افغانستان به حیث قوماندانهای نظامی خدمت کرده و شناخت خوبی از اوضاع نظامی و ملکی و اجتماعی و همچنان از گروه های دهشت افگنی دارند که به کمک کشور های خارجی علیه حکومت افغانستان و متحدین بین المللی آن می جنگند. این مشاورین همچنان تحلیل و بررسی همه جانبه از دخالت کشورهای همسایه مخصوصاً پاکستان و ایران و حالا روسیه دارند و خوب می دانند که چه نقشی این کشور ها در تداوم جنگ و بی ثباتی در افغانستان دارند و در پی چه منافعی برای شان می باشند.

مشاورینی که در رابطه با اوضاع افغانستان کار میکنند و رئیس جمهور جدید ایالات متحده را در تصمیم گیری در مورد سیاست آینده این کشور در رابطه با افغانستان کمک میکنند عبارتند از:

- جنرال جیم ماتیس نخستین جنرال امریکائی که پس از حملات یازدهم سپتمبر، شانزده سال قبل برای شکست دادن رژیم طالبان وارد افغانستان شد و در قندهار جایگزین گردید و اکنون به حیث وزیر دفاع ایالات متحده تعیین گردیده است.

- جنرال دیگری که تجربه جنگ افغانستان را دارد هربرت ریمنوند مک ماستر، مشاور امنیت ملی کنونی دونالد ترامپ است که رهبری ملکی و نظامی افغانستان از وی شناختی خوبی دارند.

آقای مک ماستر در سال ۲۰۱۰ معاون قوماندانی قوای بین المللی کمک به امنیت (آیساف) در بخش پلان گذاری و رئیس "شفافیت"، واحد خاص مبارزه با فساد اداری و مالی در ساختار قوای خارجی و دولت افغانستان بود.

- جوزف دنفورد که تمام شهر های افغانستان را گشته و با تمام مناطق و مردم افغانستان آشنائی دارد تا سال ۲۰۱۴ قوماندان قوای آمریکایی در کابل بود، اکنون رئیس کمیته مشترک لوی درستی های قوای ایالات متحده امریکا شده است.

به عقیده جوزف دنفورد رئیس کمیته مشترک لوی درستی های قوای ایالات متحده امریکا، روسیه، چین، ایران، کوریای شمالی و افراط گرایی پنج تهدید بزرگ در برابر منافع واشنگتن در جهان هستند، اما هرگاه تهدیدی دیگری بر این فهرست افزوده شود، پاکستان بوده می تواند.

جنرال جوزف دنفورد، در نشستی در انستیتوت بروکینگز در واشنگتن گفت: «پاکستان تهدیدهای کنونی در برابر واشنگتن را برجسته ساخت.»

این جنرال امریکایی به جواب سوالی که پاکستان کشوری است که روابط پیچیده با امریکا دارد آیا می تواند ششمین تهدید بزرگ در برابر ایالات متحده باشد؟ گفت: «من فکر می کنم که هرگاه به این فهرست تهدیدها، یک تهدید دیگر اضافه شود، آن پاکستان نیز بوده می تواند»

حکومت جدید ایالات متحده امریکا با مشکل عمده مخصوصاً در رابطه با چگونگی حل معضله افغانستان و ختم جنگ در افغانستان مواجه است. هر تصمیم این کشور در باره افغانستان تأثیر مستقیم بر صلح و ثبات در افغانستان و منطقه و مبارزه با دهشت افگنی در جهان دارد. از یک طرف دوام جنگ در افغانستان نه تنها مصارف گزاف مالی و تحمل تلفات جانی را در پی خواهد داشت که در نتیجه بر حساسیت های مالی دهنندگان و مردم امریکا در مجموع خواهد افزود و دولت هم مجبور خواهد بود خواسته مردم را رعایت نماید و از جانب دیگر دولت افغانستان در وضعیتی از نگاه نظامی و مالی و ثبات سیاسی قرار ندارد که بتواند به تنهایی و بدون کمک مالی و نظامی جهان خارج بالخصوص ایالات متحده امریکا بقای داشته باشد و سقوط این حکومت دارای پی آمد های خواهد بود که تأثیرات آن در بی ثباتی منطقه و افزایش افراط گرایی و دهشت افگنی نقش مستقیم خواهد داشت.

دو حکومت قبلی امریکا که جنگ افغانستان در زمان آنها آغاز و یا ادامه یافت یعنی حکومت های جارج بوش و اوباما هم با چنین مشکلی مواجه بودند. حکومت جارج بوش بعد از حمله بر پایگاه های القاعده در افغانستان و سقوط دادن حکومت حامی القاعده یعنی طالبان متوجه عراق گردید و به هر دلیلی که بود بر عراق حمله نمود و افغانستان را فراموش کرد و بدون اینکه طرح طویل المدتی برای ثبات افغانستان و یا تقویة نهاد های نظامی و ملکی این کشور بعد از تقریباً سی سال جنگ و بی امنیتی داشته باشد، افغانستان را از صدر اولویت های سیاسی و نظامی اش پائین انداخت و این حالت تا ختم دوره ریاست جمهوری بوش در سال ۲۰۰۹ دوام یافت.

حکومت بارک اوباما میراث بر این دو جنگ گردید ولی جنگ دیگری هم در شرق میانه به آن افزوده شد و آن جنگ سوریه بود و در دور دوم ریاست جمهوری اش بارک اوباما به ملت امریکا وعده سپرد که جنگ عراق و افغانستان را خاتمه می دهد و سر بازان امریکائی را به کشور بر می گرداند ولی دوام جنگ و شدت آن که ناشی از اعلام تقسیم اوقاتی برای خروج عساکر امریکائی از افغانستان بود باعث تشجیع مخالفین دولت افغانستان و حامیان منطقوی از جمله پاکستان و ایران گردید و برای کسب موقف قوی تری، جنگ و مقاومت علیه دولت افغانستان را شدت بخشیدند و طالبان هم تقویه گردیده و موقف بالاتری اتخاذ کردند. عراق نیز به جنگ دیگری در گیر شد و با خالی قدرت و ضعف حکومت و فرقه جنگی ها گروه داعش سر بلند کرد که هم عراق و هم سوریه را مورد تهدید و ویرانی قرار داد و حتی تعدادی از طالبان نا راضی و هم پیمانان شان بیرق داعش را در افغانستان نیز بلند نمودند.

حالا دولت جدید ایالات متحده امریکا در رابطه با بحران افغانستان با دو انتخاب عمده مواجه است یکی این که سربازان خود را از افغانستان خارج سازد و به کمک های مالی و تخنیکی خود برای تقویة حکومت افغانستان و تمویل نیروهای امنیتی افغانستان ادامه دهد که این موقف احتمالاً به یک هرج و مرج سیاسی دیگر و سقوط حکومت با در نظر داشت اختلافات عمیق در دستگاه حاکمه، قطبی شدن جامعه و دستگاه دولت مرکب از هر سه قوای اجرائیه، مقننه و قضا، تشدید اختلافات متنوع قومی، مذهبی، سمتی، منطقوی و قبیلوی و زبانی، عدم توانائی

قوای امنیتی برای دفاع از حکومت به تنهایی با روحیه ضعیف رزمی و همچنان فساد در دستگاه نظامی و اداری و عدم همکاری و حمایت عامه از حکومت منجر خواهد شد که در آن صورت امکان بروز یک جنگ داخلی دیگر بین قدرت های سیاسی و شبه نظامیان گروه های متخاصم و مخالف محتمل است و در نهایت بی ثباتی منطقه و تبدیلی این منطقه به یک پایگاه عمده دهشت افکنی خواهد شد که ایالات متحده، غرب در مجموع و هم کشور های منطقه و روسیه چنین انکشاف نا میمونی را نمی خواهند.

انتخاب دوم تقویه، حفظ و احتمالاً افزایش قوای موجود ایالات متحده امریکا در افغانستان و شدت عمل برای سرکوب نمودن مخالفین و در عین زمان تقویه قوای نظامی و نهاد های اداری و ملکی افغانستان و دوام مساعدتهای مالی و تخنیکی به افغانستان است تا از سقوط نظام سیاسی موجود جلوگیری شده بتواند و در عین حال به حکومت در بهتر سازی عرضه خدمات در جهت حصول حمایت مردم از حکومت و همکاری با آن و جلوگیری از فساد کمک نماید که این گزینه نه تنها خواهد توانست از هدر رفتن سرمایه گذاری های جانی و مالی و سیاسی متحدین غرب با افغانستان جلوگیری نماید بلکه نزدیکی با سیاست و روشی دارد که دو حکومت قبلی ایالات متحده امریکا یعنی حکومت های بوش و اوباما آنرا پیش گرفته بودند.

طوری که از نشرات و آنچه که در رسانه ها درز میکند بر می آید حکومت جدید ایالات متحده امریکا در پی طرح و تطبیق ستراتیژی است که نکاتی از انتخاب دوم را در بر خواهد داشت.

ولی هر گونه ستراتیژی که شامل مهار نمودن مداخلات همسایگان افغانستان بخصوص پاکستان و ایران و حالا روسیه نباشد کار گر نخواهد افتاد و این جنگ و خونریزی دوام خواهد یافت و باز هم این ملت افغانستان است که قربانی خواهد داد.

در وضع امنیتی که اکنون افغانستان قرار دارد هیچگونه امیدی برای پیروزی قوای امنیتی به تنهایی بر مخالفین برده شده نمی تواند زیرا با دوام حمایتی که این مخالفین از متحدین شان بخصوص همسایگان افغانستان می گیرند و با جریان سرازیر شدن ملیونها دالر کمک مالی از شیوخ عرب و حکومت های حامی طالبان و تندروانی که خواهان انتشار تعبیر های سختگیرانه شان از اسلام هستند، محال است که قوای امنیتی افغانستان به تنهایی بتواند پیروزی نهایی را بدست آورد. گزارش جدید ملل متحد از وضع امنیتی افغانستان مشعر است که وضع امنیتی در افغانستان در سالی که تا چند روز دیگر آغاز می یابد بدتر خواهد شد و جنگ ها شدت بیشتری اختیار خواهد کرد. این هشدار و ارزیابی به معنی لزوم دوام کمک های نظامی و تخنیکی و مالی به افغانستان جنگ زده و به نحوی جلوگیری از مداخلات و کمک های همسایگان و حامیان مخالفین است.

پایان